

نامه‌های ژنو از سید محمدعلی جمال‌زاده به ایرج افشار

* نامه‌های ژنو از سید محمدعلی
جمال‌زاده به ایرج افشار.
* با همکاری محمدافشین وفایی و
شهریار شاهین‌دزی.
* چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۸.



این کتاب دربردارنده ۳۵۵ نامه است که نویسنده نامدار معاصر، شادروان محمدعلی جمال‌زاده (۱۲۷۰-۱۳۷۶) در طی ۴۴ سال دوری از وطن (از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۷۳) به پژوهشگر خستگی‌ناپذیر و بی‌مانند این روزگار، استاد ایرج افشار (۱۳۰۴) نوشته است. در دل این نامه‌ها، که با همکاری و به کوشش آقایان محمدافشین وفایی و شاهین‌دزی فراهم آمده و با شکلی آراسته و پیراسته به چاپ سپرده شده است، نکات خواندنی و دانستی بسیاری می‌توان یافت که برای شناخت اندیشه‌ها و زندگی جمال‌زاده و شماری از رجال عصر و جریان‌های فرهنگی دوران او سودمند است. نامه‌ها ۶۴۴ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده‌اند و از آن پس تا صفحه ۷۵۳ مخصوص پیوست‌ها و فهرست‌های کتاب است. در بخش پیوست‌های کتاب چند نامه دیگر هست که در آن، «تک‌نامه‌هایی از جمال‌زاده، که متفرق و دور از اصل مانده‌اند»، «نامه‌هایی به دیگران، که در جایی چاپ نشده است» و ... را می‌توان یافت. در پایان کتاب، در بخشی به نام اسناد، شانزده سند (برای نمونه، وصیتنامه درباره اوراق و اسناد) با چاپ عکسی آمده است، که در میان آنها، مطالبی با دست‌خط جمال‌زاده نیز هست. در بخش فهرست‌ها هم سه فهرست سودمند «نام اشخاص»، «کتاب‌ها و نشریات و مقالات» و «اماکن و سازمان‌ها» آمده است. در فهرستی جداگانه نیز همه نامه‌ها با ذکر شماره و تاریخ مرتب شده‌اند. گردآوردندگان ارجمند، معادل شمسی تاریخ‌های میلادی را نیز در ذیل هر نامه آورده‌اند، که کار بررسی تاریخی را آسان‌تر می‌کند. در پایان این یادداشت، یک بخش کوتاه برگزیده از نامه‌های جمال‌زاده را که نشان‌دهنده طبع والا، صفا و روحیه عارفانه اوست، به نقل از ص ۶۲ کتاب می‌آوریم: «حالا می‌رسیم به دعوا و مرافعه. در باب من مقاله‌ای نوشته‌اید، که یغماز راه لطف و عنایت چاپ کرده است. به قدری از من تعریف کرده‌اید که ممکن است مسئله به خود من هم مشتبه شود. حقیقتاً مستحق این حرف‌ها نیستم. شاید خیال کرده‌اید مقالات آن مؤمن (شریعت‌مداری) در باب «بانگ نای» خاطر مرا آزرده است و محتاج تسلیت هستیم؛ در این صورت، خیلی به اشتباه رفته‌اید. پوست من خیلی خیلی از اینها کلفت‌تر است و هر چند خاک پای مولوی نمی‌شوم، دلم می‌خواهد بتوانم با آن بزرگوار (و یا آخوند مآلهادی قهرمان سر و ته یک کرباس) هم‌زبان شده، بگویم: از یقین و از گمان بالاترم
از ملامت بر نمی‌گردد سرم.»

زبان‌های پارتی و فارسی میانه (پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی)، زبان‌های ایرانی میانه غربی هستند. از زبان فارسی میانه آثار نسبتاً زیادی در مقایسه با سایر زبان‌های ایرانی باستان و میانه به جا مانده است. دکتر رضایی ابتدا زبان، ادبیات، آواشناسی، و صرف و نحو زبان پارتی را آورده است و در ادامه، بعد از توضیحات مقدماتی درباره زبان فارسی میانه، به معرفی آثار با مانده از آن زبان، شامل کتیبه‌ها (نوشته‌های روی سنگ، گل، آجر، گچ، فلز و چوب)، کتاب‌ها، واژه‌ها و جملات پراکنده در کتاب‌های عربی و فارسی پرداخته است. مؤلف محترم، کتاب‌های فارسی میانه را بر اساس موضوع تقسیم‌بندی نموده‌اند. شایسته بود کتاب‌های رساله یوشث فرین و اخت درخت آسوریگه کارنامه (دشیر بادکن، شهرستان‌های ایرانشهر و یادگار زریبران را نیز به ترتیب در قالب موضوعات چیستان، مناظره، تاریخی، جغرافیایی و حماسی می‌آورد^۱ (ص ۱۵۰). قسمت پایانی، شامل آواشناسی صرف و نحو زبان فارسی میانه است. در بخش پایانی کتاب، در قسمت فارسی دری، ابتدا به طور مختصر سیر تحول زبان فارسی از دوره ساسانی به اسلامی بررسی شده و سپس آثار به‌جامانده فارسی دری در دوره اسلامی تا زمان حمله مغول در ۷ قسمت، همراه با آواشناسی صرف و واژگان آمده است. زبان و گویش‌های ایرانی غربی و گویش‌های ایران نو شرقی، سایر قسمت‌های اصلی این بخش را تشکیل می‌دهد.

دکتر حسن رضایی باغبیدی دانشیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی و مدیر گروه بخش ایران‌شناسی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است. ایشان طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۷، به مدت دو سال در دانشگاه اوساکای ژاپن به تدریس و تحقیق مشغول بودند. چاپ اول کتاب حاضر، جزو انتشارات دانشگاه اوساکای ژاپن بود.

پی‌نوشت

* دانشجوی کارشناسی تاریخ.

۱. قبل از این کتاب، آثار چندی نیز درباره تاریخ زبان‌های ایرانی به چاپ رسیده است، که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

- تاریخ زبان فارسی، محسن ابوالقاسمی، تهران، ۱۳۷۴.

- زبان‌های ایرانی، ارنسکی، ترجمه علی‌اشرف صادقی، تهران، ۱۳۷۸.

- مقدمه فقه اللغة ایرانی، ارنسکی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۸.

- تاریخ زبان فارسی، مهری باقری، تهران، ۱۳۷۳.

- راهنمای زبان‌های ایرانی، جمعی از مؤلفان، ترجمه زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، تهران، ۱۳۸۲.

- تاریخ زبان فارسی، پرویز نائل خانلری، ۳ جلد، تهران، ۱۳۴۸.

۲. در این باره نیز ر.ک: مهری باقری، «ملاحظات چند درباره وجه اشتقاق نام اوستا»، آفتابی در میان سایه‌ای، جشن نامه استاد دکتر بهمن سرکاراتی، به کوشش دکتر علیرضا مظفری، دکتر سجاد آیدنلو، تهران: قطره، ۱۳۸۷، صص ۷۳-۷۶.

۳. این مورد در مدخل ایشان نیز به همین صورت آمده است. نک: حسن رضایی باغبیدی، «زبان و ادبیات پهلوی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۴، تهران ۱۳۸۵.

ص ۸۷